

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Ideological

مسائل ایدئولوژیک

الحاج داکتر امین الدین "سعیدی-سعید افغانی"

۱۵ جنوری ۲۰۲۳

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تفسیر احمد

ترجمه و تفسیر سُورَةُ «النُّور» - (۱۴)

جزء ۱۸

چاپ اول ۲۰۲۲ ©

سورة نور در مدینه نازل شده و دارای شصت و چهار آیت و نه رکوع می‌باشد.

وَإِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمُ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَأْذِنُوا كَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ (۵۹)

و هنگامی که کودکان شما به مرز بلوغ رسیدند، باید [برای ورود به خلوت خانه شخصی شما] اجازه بگیرند، همان گونه که کسانی که پیش از آنان [به مرز بلوغ رسیده بودند] اجازه می‌گرفتند. الله این چنین آیاتش را برایتان روشن می‌سازد، و الله دانای باحکمت است. (۵۹)

کلمه «حلم» و «احتلام» به معنای جُنُب شدن در خواب است که یکی از نشانه‌های بلوغ می‌باشد. در آیت مبارکه می‌فرماید: زمانی که اطفال شما به سن بلوغ رسیدند بر آنها واجب است تا در هر وقت و زمانی که نزد شما وارد می‌شوند از شما همان‌سان که بزرگسالان کسب اجازه می‌نمایند، آنان نیز اجازه ورود بخواهند.

سین بلوغ :

مطالعه کنندگان گرامی !

در شریعت دین مقدس اسلام سن بلوغ دختران و پسران سن خاص و مشخصی ندارد و ممکن است این سن در همه یکسان نباشد، بنابراین تعیین کردن دقیق سن به عنوان سن بلوغ در فهم شریعت اشتباه است، بلکه صحیح آنست که به نشانه‌های بالغ شدن دختر و پسر نظر شود، بدین صورت که: هرگاه پسری مُحْتَلِم شد و یا منی از او خارج گشت و یا آن که موی شرمگاه او نمایان شد و در دخترها علاوه بر آن سه نشانه مذکور برای پسرها، دچار عادت ماهیانه (حیض) شد فرق نمی‌کند در هر سنی که باشند، وجود تنها یکی از این نشانه‌ها، نشانه بلوغ آنهاست و از همان

لحظه به بعد آن‌ها شرعاً بالغ محسوب می‌شوند، در صورتی‌که جنون نداشته باشند، موظف به انجام تکالیف شرعی خود اعم از نماز و روزه و دیگر عباداتی که بر هر زن و مرد مسلمان بالغی واجب است، هستند. بنابراین ممکن است که دختری در سن هفت سالگی و دیگری در نه سالگی دچار حیض شود و همان‌سال سن بلوغش است.

و همین‌طور یک پسر ممکن است در سن دوازده سالگی محتمل شود و دیگری در سن پانزده سالگی و یا هم در سنین دیگر آن سن بلوغش به شمار می‌رود.

ولی سؤال در اینجا است: اگر بالفرض مثال سن دختر یا پسر از حد معینی بالاتر رفت ولی نشانه‌های بلوغ در او یافت نشد، چه حکم در این بابت باید تنفیذ گردد.

در این مورد علمای اسلام نظریات متفاوتی در مورد سن بلوغ دارند و هر یک از این علماء دید تفسیری و استدلالی خویش را ارائه داشته‌اند که غرض روشن شدن بهتر و بیشتر این حکم، ذیلاً مختصراً بدان اشاره می‌نمایم:

### **نظر امام شافعی:**

در مذهب امام شافعی سن دختران و پسران که از حد معین بالا رفت و نشانه بلوغ در آن یافت نشد، سن پانزده سالگی را برای دختران و پسران را محدوده نهائی قرار داده‌اند، یعنی اگر دختری به پانزده سالگی برسد، ولی نشانه‌های بلوغ در او دیده نشود، باز او بعد از پانزده سالگی (کامل) به‌عنوان مکلف شرعی موظف است تا عبادت و تکالیف شرعی را انجام دهد و همین‌طور سن پانزده سالگی را برای پسرها هر چند که نشانه‌های (حیض، یا احتلام یا خروج منی، یا روئیدن مو بر شرمگاه) دیده نشوند.

### **نظر امام ابوحنیفه و امام مالک رحمۃ الله علیهما:**

در مذهب امام صاحب ابوحنیفه و امام صاحب مالک رحمۃ الله علیهما گفته‌اند: کسی که احتلام نشده باشد، حکم به بلوغ وی نمی‌شود تا این‌که به سن شانزده سالگی برسد و در روایت مشهورتری از امام صاحب ابوحنیفه سن هفده سالگی نقل شده است.

و درباره دختری گفته است باید به سن هفده سالگی برسد و امام صاحب ابو داود گفته است: انسان با سن بلوغ نمی‌شود، مادام‌که احتلام نیابد اگرچه چهار ساله هم باشد. (تفصیل موضوع: فقه السنه سید سابق).

اما تعدادی از علمای تابع مذهب امام ابوحنیفه گفته‌اند که محدوده نهائی برای دختر و پسر پانزده سالگی کامل است، و این نظر علمای مذهب امام حنبل نیز می‌باشد.

### **جمع‌بندی کلی سن بلوغ در نزد علماء:**

امام ابوحنیفه (رح): سن نهائی تعیین بلوغ را برای دختران و پسران را هفده سالگی دانسته است.

امام ابویوسف و امام محمد، سن بلوغ دختر و پسر را ۱۵ سال قمری می‌دانند.

امام مالک: اتمام ۱۸ سال را برای پسر و دختر سن بلوغ تعیین نموده‌اند.

امام شافعی: اتمام ۱۵ سال قمری را برای پسر و دختر سن بلوغ دانسته‌اند.

امام حنبل: اتمام ۱۵ سال قمری برای پسر و دختر سن بلوغ دانسته‌اند.

ظاهریه: می‌گویند: هرگاه نشانه بلوغ ظاهر شود و سن مهم نیست.

البته همان‌طور که گفته شد اگر کسی قبل از آن سنین در وی نشانه‌های بلوغ ظاهر شود، او از همان لحظه به‌عنوان مکلف شناخته می‌شود، مثلاً ممکن است دختری در نه سالگی بالغ شود و پسری در دوازده سالگی، ولی اگر هیچ علامتی از بالغ شدن در او دیده نشود، در آن صورت ملاک سنین فوق هستند، یعنی با رسیدن به این سن احکام شرعی بر آن‌ها واجب خواهد شد.

### بلوغ زودرس در اسلام:

ظاهر شدن علایم بلوغ از نظر فیزیکی و هورمونی در دختران و پسران را در فقه اسلامی، بلوغ زودرس نامیده اند. سؤال در اینجا است که: آیا بلوغ زودرس در شریعت برای اجرای قوانین اسلامی معتبر است؟ علماء در تحقیقات خویش می‌گویند: رسیدن به سن بلوغ با یکی از نشانه‌های زیر به ثبوت می‌رسد:

- ۱- خروج منی از وی، خواه در خواب باشد و یا هم بیداری، چون خداوند می‌فرماید:  
«وَإِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمُ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَأْذِنُوا كَمَا اسْتَأْذَنَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ» (سوره نور/ آیه ۵۹) (هرگاه اطفال شما به سن بلوغ رسیدند و احتلام شدند، باید بدون اجازه بر شما وارد نشوند، همان‌گونه که کسانی پیش از آنان بودند اجازه می‌گرفتند).

در حدیثی به روایت ابوداود از علی بن ابی‌طالب پیامبر صلی الله علیه و سلم گفت: «رفع القلم عن ثلاث: عن الصبی حتی یحتلم. وعن النائم حتی یتقیظ وعن المجنون حتی یفقی.» (از سه کس قلم تکلیف برداشته شده است: از کودک تا این‌که احتلام شود و از به خواب رفته تا این‌که بیدار گردد و از دیوانه تا این‌که بهبودی حاصل کند و رشد خویش را باز یابد.) و به روایت امام علی بن ابی‌طالب پیامبر صلی الله علیه و سلم گفت: «لا یتیم بعد احتلام» (بعد از احتلام یتیمی وجود ندارد و دیگر یتیم نیست.) (به روایت ابوداود و بخاری).

- ۲- به پایان بردن پانزده سال تمام از عمر خود، چون ابن عمر گفت: در روز جنگ «أحد» که چهارده سال داشتم بر پیامبر صلی الله علیه و سلم عرضه شدم، که در جنگ شرکت کنم، به من اجازه نداد و روز جنگ خندق که پانزده سال داشتم بر وی عرضه شدم که در جنگ شرکت کنم به من اجازه داد.

چون عمر بن عبدالعزیز این مطلب را شنید به عاملان خود نوشت که کسی را به جنگ نفرستند مگر این‌که به پانزده سالگی رسیده باشند و تا کسی به پانزده سالگی نرسیده باشد به وی تعرض نکنند.

امام ابوحنیفه و امام مالک گفته‌اند کسی که احتلام نشده باشد، حکم به بلوغ وی نمی‌شود تا این‌که به سن شانزده سالگی برسد و در روایت مشهورتری از امام ابوحنیفه هفده سال نقل شده است. و در باه دختر گفته است باید به سن هفده سالگی برسد و امام داوود گفته است: انسان با سن بلوغ نمی‌شود، مادام‌که احتلام نیابد اگرچه چهل ساله هم باشد.

- ۳- روئیدن موی سیاه زهار که موی سیاه مجعد است، نه مطلق موی، که مطلق موی در زهار کودکان نیز هست. در جنگ بنی قریظه مرد را با روئیدن موی زهار می‌شناختند و هرکس موی زهارش روئیده بود، به وی اجازه شرکت در جنگ داده می‌شد.

امام ابوحنیفه گفت: با روئیدن موی، هیچ حکمی ثابت نمی‌شود و روئیدن موی زهار نه بلوغ است و نه علامت بلوغ. ۴- قاعده شدن و آبستن شدن و با این سه علامت قبلی که ذکر شد بلوغ پسر و دختر ثابت می‌شود و علائم بلوغ دختران علاوه بر آن‌ها، قاعده شدن و آبستن شدن نیز هست، چون بخاری و غیر او از عایشه روایت کرده‌اند که پیامبر صلی الله

علیه و سلم گفت: « لا یقبل الله صلاة حائض إلا بخمار» (خداوند نماز زن به حیض افتاده بالغ را نمی‌پذیرد تا این‌که روسری داشته باشد و بدون آن نمی‌پذیرد).

### یادداشت تشریحی از آیات (۵۸ تا ۶۰):

این آیات، تنمۀ آیه‌های پیشین است و راه و رسم و آداب اجتماعی را به مؤمنان می‌آموزد که به کودکان‌شان یاد دهند که در سه وقت برای ورود به اتاق خصوصی زن و مرد اجازه بگیرند؛ چون آن اوقات در لباس راحت اند و ستر عورت و حجاب کامل ندارند و جامه از تن در آورده اند؛ اما سایر اوقات به اجازه گرفتن نیازی نیست؛ چون خدمتکاران و فرزندان و سایر افراد خانواده برای انجام کارهای لازم، پیوسته در رفت و آمدند که اگر هر بار اجازه بگیرند، تکلیفی سنگین است و از طرفی، نه کارها پیش می‌رود و نه خانواده شکل منظمی به خود می‌گیرد. پس خداوند، این چنین آداب و راه شرعی را تبیین می‌فرماید تا مؤمنان و خواستاران بدان تمسک جویند و پای‌بند به موازین دینی شوند. قطعاً خداوند به تمام مصالح مورد نیاز بندگان آگاه و در تشریح و تدبیر امور، حکیم و کارساز است.

ای مؤمنان؛ هرگاه فرزندان شما بزرگ شدند و به سن بلوغ و رشد عقلی رسیدند، راه و رسم و آداب اسلامی را به آنان بیاموزید، تا همگی زندگی بس نیکویی داشته باشید.

مطالعه کنندگان گرامی!

حکم حجاب و مراعات کردن آن در دوران وسن جوانی در آیات‌های قبلی به بیان گرفته شد، اکنون آیت مبارکه (۶۰) در باره حکم حجاب و چگونگی پوشش را توضیح می‌دهد و می‌فرماید:

پیرزنانی که به طور کلی، میل جنسی را از دست داده اند و موجب تحریک جنسی نمی‌شوند، اجازه دارند چادر و لباس روئین و گشاد را از تن در آورند و با لباس و جامه‌ عادی به میان مردم بروند، البته به شرطی که از روی عمد زینت و زیور را در معرض دید قرار ندهند و پوشیده نگه دارند؛ هرچند بهتر است حجاب کامل را فراموش نکنند و مراعات نمایند. اگر این زنان دوست بدارند زینت و زیبایی خود را بنمایانند، دلیل بر این است که هنوز آتش کم نور شهوت درون‌شان خاموش نشده است. بنابراین، حکم این آیت شامل آنان نخواهد شد و هر کس خلاف این دستور الهی عمل کند، خدا شنوا و داناست و از همه چیز خبر دارد و به حسابش خواهد رسید.

**وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ اللَّاتِي لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ وَأَنْ يَسْتَغْفِفْنَ خَيْرٌ لَهُنَّ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ (۶۰)**

و بر زنان از جای نشسته که امید ازدواجی ندارند، گناهی نیست که حجاب و روپوش خود را کنار بگذارند، در صورتی که با زیور و آرایش خویش قصد خودآرائی نداشته باشند. و پاکدامنی برای آنان بهتر است؛ و الله شنوای داناست. (۶۰)

### تشریح لغات واصطلاحات:

«الْقَوَاعِدُ»: جمع قاعد. زنان پیر و سالخورده که از حیض باز ایستاده شده و میل زناشویی و جاذبه جنسی را کاملاً از دست داده باشند.

«لَا يَرْجُونَ نِكَاحًا»: امیدی به ازدواج ندارند، چرا که دیگر بدانان رغبتی نیست و آتش دلدادگی و دلباختگی خودشان در دل‌شان فرو مرده است.

«أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ»: این که لباس‌های خود را زمین بگذارند. مراد (خِمار) و (جَلَابِيب) مذکور در سوره نور آیت

۳۱، و سوره احزاب آیت ۵۹ است که روسری و چارقد و مقنعه و جامه‌های روئین می‌باشد.

«غَيْرَ»: حال است.

«مُتَبَرِّجَاتٍ»: خارج‌شوندگان از حشمت. زنان آرایش کرده و زینت و زیبایی خود را نشان دهنده.

«يَسْتَعْفِفْنَ»: عفت پیشه کنند. مراد حفظ حجاب برابر سوره نور آیت ۳۱، و سوره احزاب آیت ۵۹ است. (تفسیر نور

دکتر مصطفی خرم دل).

وضع قوانین اسلام مطابق با واقعیت‌ها و ضرورت‌ها و نیازها و توانایی‌ها است:

طوری‌که این آیت درباره زنان سالخورده و پیرزنانی که کبر سن آنان را از شهوت و بهره جنسی باز نشانده و ایشان را به ازدواج رغبتی نیست و از حیض دیدن مأیوس و از زائیدن محروم اند نازل گردیده است: یعنی پیر زنانی که کبر سن آنان را از شهوت و بهره جنسی باز نشانده و ایشان را به ازدواج رغبتی نیست و دل‌های مردان هم به سوی‌شان گرایش ندارد گناهی نمی‌باشد که پوشش سبک‌تری اختیار کنند؛ همچون پوشیدن رواندازی بر روی لباس‌های خویش. ولی «غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ» در صورتی که زر و زیور خود را نمایان نسازند، تا مورد توجه قرار گیرند. ابو حیان گفته است: تیرج درحقیقت عبارت است از نشان دادن چیزی که پنهان کردنش واجب باشد و بسی از پیره زال‌ها حریصند که نشان دهند دارای جمالند. (البحر ۴۷۳/۶) ولی نباید فراموش کنیم که: شرع اسلام برای زنان، چه پیر باشد و چه جوان، نشان‌دادن آرایش و زینت بدن را برای زنان ممنوع اعلام داشته است. ولی تذکر داده است که ستر و عفاف، هم در لباس و هم چادرپوشیدن برای شان بهتر است. قابل تذکر است که در شرع اسلام: سالخوردگی به تنهایی کافی نیست، بلکه باید بی‌میلی به ازدواج نیز وجود داشته باشد تا اجازه برداشتن روسری را به‌دست آرد. ولی به‌صورت کل باید گفت: حجاب، مایه حفظ عفت زن بوده و به‌صورت کل؛ حجاب، به نفع زنان است. در جنب سایر آزادی، هشدار لازم صورت گرفته است: (اگر از احکام الهی، سوء استفاده شود، خدا شنوا و آگاه است و به حساب متخلفان می‌رسد). «وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» الله متعال نهران ضمیر و نفس را می‌داند و هر کس را مطابق عملش مکافات و یا مجازات می‌دهد.

خوانندگان گرامی!

در آیت متبرکه (۶۱) در باره خوردن در برخی خانه‌ها بدون اجازه، اما به ظن رضا، بحث به عمل آمده است.

لَيْسَ عَلَى الْأَعْمَى حَرَجٌ وَلَا عَلَى الْأَعْرَجِ حَرَجٌ وَلَا عَلَى الْمَرِيضِ حَرَجٌ وَلَا عَلَى أَنْفُسِكُمْ أَنْ تَأْكُلُوا مِنْ بُيُوتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ آبَائِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أُمَّهَاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ إِخْوَانِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَخَوَاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَعْمَامِكُمْ أَوْ بُيُوتِ عَمَّاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَخْوَالِكُمْ أَوْ بُيُوتِ خَالَاتِكُمْ أَوْ مَا مَلَكَتُمْ مَفَاتِحَهُ أَوْ صَدِيقِكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَأْكُلُوا جَمِيعًا أَوْ أَشْتَاتًا فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا فَسَلِّمُوا عَلَى أَنْفُسِكُمْ تَحِيَّةً مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مَبْرُوكَةً طَيِّبَةً كَذَلِكَ بَيَّنَّ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ (۶۱)

بر نابینا گناهی نیست و بر لنگ (هم) گناهی نیست و بر مریض (نیز) گناهی نیست و (نیز) بر خودتان گناهی نیست، که از خانه‌های خودتان و از خانه‌های فرزندان‌تان، یا خانه‌های پدران‌تان، یا خانه‌های مادران‌تان، یا خانه‌های برداران‌تان، یا خانه‌های خواهران‌تان، یا خانه‌های کاکاهای‌تان، یا خانه‌های عمه‌های‌تان، یا خانه‌های خالوهای (ماماهای)‌تان و یا خانه‌های خاله‌های‌تان و یا آن (خانه‌هایی) که کلیدشان را در اختیار دارید، یا خانه‌های دوستان‌تان طعام بخورید.

همچنین بر شما گناهی نیست که یکجا و یا جداگانه طعام بخورید. پس چون به خانه‌ها در آمدید، بر یکدیگر سلام و تحیتی گوئید به سلام و درود مبارک و پاکیزه که از جانب الله (ثابت شده) است. الله این چنین آیات (خود) را برای‌تان بیان می‌کند تا بفهمید. (۶۱)

«لَيْسَ عَلَى الْأَعْمَى حَرْجٌ وَلَا عَلَى الْأَعْرَجِ حَرْجٌ وَلَا عَلَى الْمَرِيضِ حَرْجٌ»: اشخاص نابینا، لنگ و مریض در تخلف از جهاد و غیر آن از واجباتی که بدان پرداخته نمی‌توانند، معذور شناخته می‌شوند از آن‌رو که این آفت‌ها مانع انجام تکالیف‌شان می‌شود.

بر دارندگان عذر یعنی نابینا و لنگ و مریض عیب و ایرادی نیست و گناه ندارد به جهاد نروند؛ زیرا ضعیف اند و ناتوان. (این نظر حسن و ابن زید است و ظاهر همان است. صاحب البحر و کشاف نیز آن را پذیرفته‌اند. و گویا منظور این است که مانعی نیست اصحاب عذر با افراد سالم غذا بخورند و طبری و رازی برآنند).

شیخ مرحوم علی صابونی (رح) در «التفسیر الواضح» می‌گوید: «لَيْسَ عَلَى الْأَعْمَى حَرْجٌ تا علی المریض حرج» در مورد کسانی شرف نزول یافته که توان جهاد را نداشتند و معذور بودند و بدین سبب خدا آنان را برای رفتن به جهاد مکلف نفرمود و سیاق سخن نیز چنین است: «لَيْسَ عَلَى الْأَعْمَى حَرْجٌ وَ إِثْمٌ فِي عَدَمِ خُرُوجِهِمُ لِلجِهَادِ»، نه تکلیفی و نه گناهی بر این گروه نیست اگر برای جهاد بیرون نروند و در میدان جنگ حاضر نشوند؛ زیرا ناتوان و درمانده و غیر مکلف اند و الله جز به اندازه توان، تکلیف نخواهد کرد.» (سوره توبه آیات ۹۱ و ۹۲).

«وَلَا عَلَى أَنْفُسِكُمْ أَنْ تَأْكُلُوا مِنْ بُيُوتِكُمْ»: و ای مؤمنان! بر شما گناهی نیست که از خانه‌های خودتان بخورید، یا از خانه‌های پسران‌تان.

مفسران گفته‌اند: خانه پسر شخص خود اوست، به دلیل حدیث شریف: «أنت و مالک لابیك». «تو و مالک از آن پدرت هستی».

همچنان امام بیضاوی فرموده است: خانه فرزندان را نیز شامل می‌شود؛ چون خانه فرزند مانند خانه خود انسان است، و در حدیث آمده است: «پاکترین چیزی که انسان آن را می‌خورد، عبارت است از نتیجه کسبش و فرزند جزو کسب انسان است». (بیضاوی ۵۸/۲).

«أَوْ بُيُوتِ آبَائِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أُمَّهَاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ إِخْوَانِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَخَوَاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَعْمَامِكُمْ أَوْ بُيُوتِ عَمَّاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَخْوَالِكُمْ أَوْ بُيُوتِ خَالَاتِكُمْ»

یا از خانه‌های پدران، مادران، برادران، خواهران، عموها، عمه‌ها، دایی‌ها (ماماها) و خاله‌های تان، یا از خانه‌هایی که نماینده مالکان آن در نگهداشت آن هستید، یا از خانه‌های دوستان‌تان.

امام فخر رازی گفته است: ظاهراً اباحه خوردن بر اجازه متوقف نیست؛ زیرا آن‌ها به طیب خاطر به خویشاوندان غذا می‌دهند. (تفسیر کبیر ۳۶/۲۴).

### لطیفه:

لطیفه‌ها در تاریخ جوامع بشری و خاصاً لطیفه‌ها در مورد حیوانات ساختگی اند و اکثر اساسی که واقع شده باشند، ندارند ولی برای افاده بخشی از مطالب و رساندن آن به سامع و خواننده بسیار کاری و مؤثر می‌باشند. به یک نفر گفتند: برادرت را بیشتر دوست داری یا دوستت را؟! گفت: اگر برادرم دوستم نباشد او را دوست ندارم و ابن عباس گفته است: دوست از خویش و نزدیک، نزدیکتر است. مگر نمی‌بینی وقتی دوزخیان فریاد کمک برمی‌دارند می‌گویند: «فَمَا لَنَا مِنْ شَافِعِينَ وَ لَا صَدِيقٍ حَمِيمٍ» اما از پدران و مادران کمک و یاری نخواستند. (البحر المحيط ۴۷۴/۶۱).

«أَوْ مَا مَلَكَتُمْ مَفَاتِحَهُ» یا از خانه‌هایی که نماینده مالکان آن در نگهداشت آن هستید،

حضرت عایشه رضی الله عنها گفته است: مسلمانان با پیامبر صلی الله تعالی علیه و سلم به جهاد می‌رفتند، و کلید خانه‌های خود را به محافظان آن‌ها می‌دادند و می‌گفتند: خوردن از آن را برای‌تان حلال کردیم و می‌توانید از آن بخورید، اما آن‌ها می‌گفتند: برای ما حلال نیست از آن بخوریم؛ چون آن را به طیب خاطر حلال نکرده‌اند، ما فقط امین می‌باشیم تا این که آیت «أَوْ مَا مَلَکَتْمْ مَفَاتِحَهُ» نازل شد. (تفسیر ابن کثیر ۲/۲۱۹).

«أَوْ صَدِيقِكُمْ» یا از خانه‌های دوستان‌تان.

قتاده گفته است وقتی وارد خانه دوستت شدی گناهی ندارد بدون اجازه چیزی بخوری.

«لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَأْكُلُوا جَمِيعاً أَوْ أَشْتَاتاً» همچنین بر شما گناهی نیست که در هنگام غذا خوردن با هم جمع شوید یا پراکنده بخورید.

مفسران گفته‌اند: آیت درباره طایفه‌ای از کنانه نازل شده است، مردان آن‌ها عادت داشتند به تنهایی غذا نخورند، اگر یک نفر همخوانی نمی‌یافت تمام روز بدون غذا می‌ماند و چیزی نمی‌خورد و چه بسا شتر شیرده داشت، اما تا یکی پیدا نمی‌شد که با او شیر بنوشد، او نمی‌نوشید، آنگاه خدای متعال به آن‌ها ابلاغ فرمود: اگر انسان به تنهایی غذا بخورد، گناه و مانعی ندارد.

«فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتاً فَسَلِّمُوا عَلَى أَنْفُسِكُمْ» و چون به خانه‌هایی داخل می‌شوید که مسکونی است یا از سکنه خالی می‌باشد باید به همدیگر با درود و تحیه، به حاضران سلام کنید.

«تَحِيَّةٌ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ مُبَارَكَةٌ طَيِّبَةٌ» به آن‌ها سلام اسلامی یعنی «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ» بدهید که سلامی پر برکت و پاک است که خداوند متعال آن را برای بندگان مقرر فرموده است.

صیغه: «السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ» می‌باشد، سلام کنید. و اگر کسی در خانه نبود بنابر روایتی باید بگوید: «السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ - سلام بر ما و بر بندگان شایسته خداوند باد». خداوند این تحیه «سلام» را که مبارک است و میوه محبت و آفت میان مؤمنان را به ارمغان می‌آورد، مشروع ساخته است.

قرطبی گفته است: آن را به مبارک توصیف کرده است؛ چون شامل دعا و جلب محبت است.

آن را به طیب توصیف کرده است؛ چون شنونده آن را نیکو می‌یابد. (قرطبی)

«كَذَلِكَ يَبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ» ابن کثیر گفته است: بعد از این که خدای منان در این سوره شریف احکام استوار را یادآور شد و شرایع مبرم و پابرجا را ذکر کرد، به بندگان تذکر داد که برای آنان آیات و دلایل روشن و شافی را بیان می‌کند، تا در آن اندیشیده و سر عقل بیایند. (مختصر ابن کثیر ۲/۶۲۰)

## شان نزول آیت ۶۱:

۷۸۱- عبدالرزاق گفته است که معمر از ابن ابونجیح از مجاهد برای ما نقل کرده است: شخصی کور، لنگ و مریض را [که برای صرف غذا به خانه‌اش می‌آمدند، چون چیزی برای اطعام آن‌ها نداشت] (روح المعانی، همان منبع، ج ۱۸، ص ۲۱۷). به خانه پدر خود یا برادر خود یا خواهر خود یا عمه خود و یا خاله خود می‌برد. ناتوانان از پا افتاده از این امر اجتناب می‌کردند و می‌گفتند: ما را به خانه دیگران می‌برند. آیت «لَيْسَ عَلَى الْأَعْمَى حَرَجٌ...» برای اجازه آنان نازل شد. (عبدالرزاق ۲۰۶۷ از طریق او طبری ۲۶۲۲۱ و ۲۶۲۲۲).

۷۸۲- ابن جریر از ابن عباس (رض) روایت کرده است: هنگامی که خداوند متعال آیت (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم بِالْبَاطِلِ) (نساء: ۲۹) «ای مؤمنان، مالهای‌تان را در میان خود به ناروا نخورید» را نازل کرد. مسلمانان گفتند: خوبترین مال طعام است پس اجازه نداریم که از غذای دیگران تناول کنیم. لذا از خوردن غذای یک دیگر پرهیز

کردند. آنگاه:آیت مبارکه : « لَيْسَ عَلَى الْأَعْمَى حَرَجٌ وَلَا عَلَى الْأَعْرَجِ حَرَجٌ وَلَا عَلَى الْمَرِيضِ حَرَجٌ وَلَا عَلَى أَنْفُسِكُمْ أَنْ تَأْكُلُوا مِنْ بُيُوتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ آبَائِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أُمَّهَاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ إِخْوَانِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَخَوَاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَعْمَامِكُمْ أَوْ بُيُوتِ عَمَّاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَخْوَالِكُمْ أَوْ بُيُوتِ خَالَاتِكُمْ أَوْ مَا مَلَكَتُمْ مَفَاتِحَهُ»، نازل شد(طبری ۲۶۲۱۹ از علی بن ابوظلحه از ابن عباس روایت کرده است).

خوانندگان گرامی !

بعد از این‌که در آیات قبلی حکم اجازه گرفتن برای ورود به منازل مورد توضیح و بیان قرار گرفت ، اینک در آیات متبرکه ( ۶۲ الی ۶۴ ) به مؤمنان یاد می‌دهد تا برای بیرون رفتن از مجلس، به‌خصوص زمانی‌که با پیامبر برای کار مهمی چون جنگ و جهاد با دشمن و... گرد آیند تا با هم مشورت کنند - اجازه بگیرند. سپس الله متعال به آنان فرمان می‌دهد که هنگام صدا زدن پیامبر، ادب را نگه دارند و از نافرمانی وی حذر نمایند.

ادامه دارد